پیشخوان

یادداشتی بر خاطرات سیاسی ـ فرهنگی استاد دکتر علی شریعتمداری

روایت سیاست و خردمندی

علی محمد گودرزی

بررسی رویدادها و جریان‌های سیاسی نیم قرن اخیر و ترسیم روشن و مستندی از زوایای پنهان تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه دوران ۲۵ ساله بین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پیروزی انقلاب اسلامی یک ضرورت مهم فرهنگی و اجتماعی است. تاریخ ملت‌ها سند اعتبار و گنجینه هویت آنهاست. همه رخدادها، فراز و نشیب‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، سرافرازی‌ها و شرمساری‌ها در لابه‌لای سطور تاریخ حضور دارند. بدین‌سان تاریخ یک جریان مستمر و همچون رودخانه خروشانی است که از قرون و اعصار گذشته به حرکت درآمده است و توالی خود را به زمان حاضر و اکنون پیوند می‌دهد و همچنان پیش می‌رود. هیچ جزئی از تاریخ ملت‌ها حذف‌شدنی و هیچ قدرتی در جهان قادر به سانسور تاریخ نیست. تاریخ به همه تلاش‌هایی که سعی می‌کنند فرآیند حقایق را از مسیر طبیعی خود منحرف کنند، پوزخند می‌زند و به راه خود ادامه می‌دهد.[1] اما نکته مهم و اساسی در به وجود آمدن تاریخ ملت‌ها توجه به نقش بنیادین مردان بزرگ و آزاد است، اما مردان بزرگ را چنان که هستند مردم ساده نمی‌توانند بشناسند و هر کس به پندار خویش با آنان یار می‌شود و از اسرار درونشان خبردار نیست. شناخت کامل احوال رجال بزرگ تنها برای کسی میسر است که با بزرگان سنخیت دارد و در اندرون با آنان همراز باشد. نزدیک به معنی عبارت فوق‌الذکر صاحب خردی می‌فرمود، در هر قرنی که از تاریخ اندیشه بشر می‌گذرد، تعداد انگشت‌شماری از انسان‌ها در ردیف بزرگان و دانایان قرار می‌گیرند و دیگر دانایان به حکم عادت زمانه با صفت دانا وصف می‌شوند و این در حقیقت هم جفایی است بر دانایی و دانایان و هم اشتباه بزرگی است در تاریخ معرفت که تناسبی با عقلانیت و خرد ندارد. بدون هیچ‌گونه مجامله و مبالغه و به تأیید اکثر نکته‌دانان «استاد دکتر

۱۳۵۸. دکتر علی شریعتمداری در محضر امام خمینی

علی شریعتمداری» از بزرگان، نیک‌اندیشان و ناصحان تاریخ معاصر هستند. افزون بر بیست سال است که از آشنایی با این صدیق بزرگوار و شاگردی در محضر این معلم اخلاق مفتخرم و به تعبیر رندی اهل راز و نظر که در حق حضرت جلال‌الدین رومی «مولانا» راز عشق و دوستی خویش را انشا می‌کرد، من نیز از مصاحبت، همدلی و انس با استاد خرسندم. گزیده‌ای از آن عبارت نغز و پرمغز چنین است: «گفت‌وگوی من با جلال‌الدین روزبه‌روز آتشین‌تر و عاشقانه‌تر شد و در گلشن خاطراتم گل‌بوته‌های کلان رویید و سخنان آتشناک او در جان عطشناک من عظیم کارگر افتاد. یک روز از دست او قوت اخلاق می‌گرفتم و دیگر روز از چشمش شراب اشراق و دمی نبود که با او همدم نباشم. مدعی محرمی و همزبانی با او نیستم، لیکن به دولت همنشینی با او مباهی و مبتهجم. این دفتر که با عنوان «سیاست و خردمندی» تدوین شده است بی‌آنکه قصدش شرح ماجرای اندیشه‌های فلسفی، دینی، اخلاقی، تربیتی و سیاسی یک انسان وارسته و عالم تعلیم و تربیت باشد، کارنامه مثبت و درخشان یک استاد مبارز و آزاداندیش و مربی تربیتی بزرگ است که در راه تحقق آزادی و عدالت‌خواهی از سرزنش‌های خار مغیلان و ملامت دنیاطلبان سالوس‌اندیش باورهایش دچار یأس و ناامیدی نشد و در روزگاری که حتی بسیاری از اهل دانش و صاحب‌قلمان و دانشگاهیان به خاطر کسب قدرت و برخورداری‌های دنیوی توسل به ارباب زور و زر و حکومت تیره‌اندیش پهلوی را فضیلت می‌شمردند، استاد شریعتمداری درد دین در اندیشه و غصه قصه استقلال ایران در دل داشتن را فضیلت می‌پنداشت و در آن ایام که بردن نام ساواک لرزه بر جان و خرد هر کسی می‌افکند، استاد به نام‌نویسی در حزب رستاخیز دلیرانه بی‌اعتنایی کرد و از این رهگذر درس مقاومت و پایمردی را به دانشجویان و اساتید دانشگاه اصفهان داد و در تألیفات علمی خود گسترش روح دموکراسی و تربیت انسان آزاد و منطقی و شعار ظلم با بیگانه و ستیز با حاکمان جبار و حاکمیت حکومت اسلامی را آرمان خودساخته بود و در مسیر حقیقت‌طلبی اندیشه خلاقش به‌جای حضور در کلاس درس دانشگاه روانه زندان شد. اما زندان هم مانع آرمان‌های بلند و متعالی استاد نشد و مانند کوه مستحکم و استوار در راه مبارزه با نظام خودکامه و دیکتاتوری آن روزگار لحظه‌ای آرام نگرفت و در ترغیب نسل جوان و دانشگاهی برای شناخت دین و آفات حکومت از هیچ کوششی دریغ نکرد.

پی‌نوشت:

(۱) تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران

نمایی از یک تعزیه‌خوانی در دوره قاجار

مروری بر پیشینه نمایش‌های آئینی و برخی حواشی آن

تعزیه در آئینه تاریخ

نادر دقیقی

تعزیه از سنت‌های آیینی و رسوم ملی ـ مذهبی نسبتاً کهن این مرز و بوم است. تعزیه را باید یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های آیینی عاشورا دانست. تعزیه هنری برآمده از عواطف پاک شیعیان و دارای کارکرد سیاسی و فرهنگی فراوان در طول حیات خویش است. در این میان نمادها و رنگ‌هایی که در تعزیه به کار می‌روند علاوه بر اینکه ریشه در برخی اعتقادات دارند مفهوم خاصی را نیز بیان می‌کنند مثلاً رنگ سبز در فرهنگ عرفانی ما نمادی از انسان‌های بلندمرتبه و نورانی است به طوری که قرآن کریم نیز در آیاتی می‌فرماید برای اهل بهشت لباسی است از حریر سبز. در این مقاله سعی بر آن است تا این آیین ملی ـ مذهبی را در شکل موجود آن مورد مطالعه قرار داده و نقش رنگ‌ها را در آن بررسی کرد.

■■■

تعزیه چیست؟

تعزیه بر محور زندگانی مقدسین به ویژه زندگانی حضرت امام حسین (ع) و همچنین در رابطه با جنگ‌ها، مبارزات و ظلمی که بر آن‌ها وارد شده است مطرح می‌گردد.

«تعزیه در لغت به معنی نمایش دادن وقایع کربلا و حوادثی که بر سر بعضی ائمه آمده است». (محمد معین ـ ۱۳۶۳ ـ ۱۱۰۰)

برخی تعزیه را از منظر هنری نگریسته‌اند. «تعزیه یا غمنامه هنری است که به خاطر موضوع و ساختارش با نمایش در قرون وسطی و درام یونان باستان مقایسه می‌گردد. موضوع این هنر به طور دقیق مربوط به وقایع کربلاست.» (روبرت هنری دوژنره ۱۳۷۲ ـ ۷۷)

برخی از جنبه درام اعتقادی به تعزیه پرداخته‌اند. «تعزیه یکی از نادرترین درام‌های اعتقادی جهان است و با چنین دیدی می‌توان به تعبیر درام اعتقادی دست پیدا کرد، زیرا دو عنصر حیاتی یعنی تماشاگر و بازیگر در آن حضور عینی دارند.» (سیدصادق فاضلی ـ ۱۳۸۵)

برخی آن را نمایش آیین مذهبی دانسته‌اند. «هنر مقدس شبیه‌خوانی یا تعزیه، نمایش آیینی ـ مذهبی ایرانی است. هنری است دو طرفه و آفریده سرزمین ایران.» (عناصری ـ ۱۳۷۲ ـ ۱۶)

تاریخچه تعزیه

تاریخ پیدایش تعزیه به صورت دقیق مشخص نشده است. برخی بر این باورند «این نمایش آیینی و پاگیری آن از سوی ایرانیان پیش از اسلام به پیشینه ۳ هزار ساله سوگواری بر مرگ پهلوانان مظلوم داستان‌های ملی ایران نسبت داده و این آیین را مایه و زمینه‌ساز شکل‌گیری آیین‌های نمایشی عنوان کرده‌اند. برخی دیگر نیز به استناد گزارش‌های موجود که از ایران بعد از اسلام به دست آمده تعزیه را شبیه‌خوانی ماجرای کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یارانش می‌دانند تا به واسطه این هنر بتوانند واقعه عاشورا را بیان کنند». (عناصری ـ ۱۳۸۹)

به نظر می‌رسد اولین نمونه‌های تعزیه در زمان آل‌بویه بوده است و این موضوع مورد اتفاق اغلب پژوهشگران تعزیه می‌باشد.

«اولین مراسم عزای عمومی ثبت شده برای امام حسین(ع) در قرون چهارم هجری قمری در بغداد برگزار شده است. سلطان معزالدوله از آل‌بویه که شیعه بود به اهل بازار دستور داد که در روز عاشورا دهم محرم در سال ۳۵۲ هجری قمری بازار را تعطیل کنند.» (پیتر چلکوفسکی ـ ۱۰۶ ـ ۱۳۷۲)

رابینو شرق‌شناس فرانسوی به نقل از ابن کثیر شامی می‌نویسد: «معزالدوله احمد از خاندان آل‌بویه در بغداد فرمانی صادر کرد که به موجب آن بایستی بازاریان دست از کار کشیده و دکان‌های خود را بسته به عزاداری حضرت امام حسین (ع) بپردازند.» (ادوارد براون ـ ۱۳۵۵)

نخستین سوابق از اجرای نمایش تعزیه را در ایران دو غیرایرانی به دست می‌دهند.

«کارستن نیبور گزارشی دارد از تعزیه‌ای در ۱۱۳۵ شمسی در جزایر خارک که بنا به توصیف وی به تعزیه کنونی نزدیک بوده و ویلیام فرانکلین در سال ۱۱۶۰ شمسی اجرای دو تعزیه به نام‌های «آب فرات» و «عروسی قاسم» را گزارش کرده که هر دو به ویژه دومی آن را دارای کیفیتی بالا دانسته است و بر او تأثیر عاطفی شدید داشته است.» (عبدالرضا فریدزاده ـ ۱۳۸۹ ـ ۳۱)

«شبیه‌خوانی را ایرانی‌ها طی ۱۰ روز اول محرم به نمایش درمی‌آورند؛ در مساجد منبرهایی بر پا می‌کنند و دیوارهای مساجد را با پارچه‌های سیاه می‌پوشانند از روز اول محرم آخوندها و پیش‌نمازها به منبر می‌روند و به ذکر می‌پردازند و مصیبت وارده به امام حسین (ع) را بازگو می‌کنند.» (ویلیام فرانکلین ۱۳۵۸ ـ ۷۲)

در عصر صفوی که تشیع دین رسمی کشور ایران اعلام شد تعزیه به شدت رشد یافت. در دوره میانی حکومت افشاریه و قاجاریه نقطه تکامل تعزیه بود. در زمان آغاز سلطنت ناصرالدین شاه ۳۰۰ مکان مشخص برای تعزیه برپا شد. در سال‌های آغاز دیکتاتوری رضاخان پس از ۱۳۰۴ هجری شمسی اجرای تعزیه رفته رفته ممنوع اعلام شد و با تخریب تکیه دولت به دستور وی تعزیه پا به دوران افول خود گذاشت.

نقش‌های تعزیه

نقش‌ها در تعزیه به سه گروه اساسی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱. گروه اولیا خوان یا اهل‌بیت (ع)
۲. گروه اشقیا خوان یا مخالف خوان
۳. گروه کودک خوان

البته می‌توان به این تعداد گروه دیگری را تحت عنوان سیاهی لشکر نیز اضافه کرد اما چون این افراد متنی برای خواندن ندارند. نمی‌توان آنان را در گروه تعزیه‌خوان نامید.

لباس تعزیه

لباس تعزیه بر مبنای فرهنگ و امکانات هر منطقه می‌باشد.

«پوشاک محلی در آراستن قیامت قامت یلان و اولیا دخالت مستقیم می‌نماید و اشقیا نیز با امکانات محلی و با عنایت به فرهنگ مادی و کاربرد لباس در هر منطقه، رخت به‌خصوصی می‌پوشند.» (عناصری ـ ۱۳۷۲ ـ ۲۲)

لباس تعزیه شامل پیراهن شال کمری، سربند، چکمه، نقاب، برقع، عبا، عمامه، کلاهخود و... می‌باشد.

در باب لباس آنچه بیشتر قابل اهمیت است رنگ لباس می‌باشد که در بخش رنگ به آن پرداخته می‌گردد ولی در مورد نقاب می‌توان به مواردی اشاره کرد.

«نقاب جهت نشان دادن قداست اولیا یا مکر اشقیا و خجالت یا اختفای آنان در محضر دریا دلان به کار می‌رود.» (عناصری ـ ۱۳۷۲ ـ ۲۳)

رنگ

رنگ عبارت است از طول موج نور که بر کورتکس مغز ایجاد می‌شود. «دنیایی که ما آن را نظاره می‌کنیم از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است. این دو عنصر شامل فرم (شکل) و «رنگ» هستند که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند. تمام ارتباطات به کمک رنگ‌ها انجام می‌گردد و تمام دریافت‌های عینی به وسیله رنگ‌ها حاصل می‌شود.» (آیتن ـ ۱۳۶۹ ـ ۴)

در رنگ‌شناسی اسلامی ـ ایرانی نظام هفت رنگ وجود دارد که شامل سفید، سیاه، خاکی، زرد، سبز، سرخ و آبی است.

رنگ در قرآن

خداوند متعال در قرآن مجید، رنگارنگ قرار دادن مخلوقات را نشانه‌ای از آیات الهی برای اهل ذکر دانسته است. (قرآن ـ نحل ۱۳) در قرآن دو کلمه به معنای رنگ به کار رفته است یکی لون و دیگری صبغه. معنای نخست به صورت جمع به کار می‌رود و مقصود رنگارنگی و انواع رنگ در طبیعت است اما در جایی که از صبغه استفاده می‌شود مقصود رنگ خداست. این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا بهتر است؟ (قرآن ـ بقره ـ ۱۲۸)

رنگ‌های سبز، زرد، سفید، سیاه، قرمز و آبی شش رنگی هستند که در قرآن ذکر شده است.

رنگ سبز

«در قرآن کریم اشارات زیادی به رنگ سبز شده است. نعمت‌های بهشتی مانند لباس حریر بهشتیان (قرآن ـ کهف ۳۱)، تخت بهشتیان (رحمان ـ ۷۶) و باغ‌های بهشتی (نباء ـ ۳۲) با رنگ سبز معرفی شده‌اند که باعث ایجاد سرور بیشتر برای اهل بهشت می‌گردد.» (قاسمی ـ ۳۸۹ ـ ۲۱)

رنگ زرد

طیف این رنگ از زرد درخشان تا زرد تیره می‌باشد. خداوند متعال در معرفی گاو بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «گاوی است زرد یکدست، که بینندگان را سرور می‌بخشد.» (قرآن کریم ـ بقره ـ ۶۹)

رنگ سفید

این رنگ به طور صریح در قرآن کریم به آن اشاره شده است. این رنگ علامت سفیدی و پاکی و درخشندگی چهره مؤمنان در قیامت (قرآن ـ آل عمران ـ ۱۰۶)، سفیدی رنگ شراب بهشتی (صافات ـ ۴۶) سفیدی همسران بهشتی (صافات ـ ۴۹) آمده است. خداوند برای ترغیب مؤمنان به بهشت این رنگ را در وصف برخی از نعمت‌های بهشتی مورد استفاده قرار داده است.

رنگ سیاه

«رنگ سیاه یا اسود، در قرآن رنگ چهره گناهکاران در آیات متعددی به سیاهی وصف شده است. «در روز قیامت کسانی که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که صورت‌هایشان سیاه شده است.» و در سوره آل‌عمران آیه ۱۰۳ رنگ سیاه چهره، نشانه نابودی و هلاکت است.» (قاسمی ـ ۱۳۸۹ ـ ۱۶)

رنگ قرمز

در قرآن رنگ احمر (قرمز) در کنار رنگ سفید و سیاه در مورد کوه‌ها به کار رفته است. «از کوه‌ها نیز به لطف پروردگار جاده‌هایی به رنگ سفید و سرخ با الوان مختلف و گاه به رنگ کامل آفریده شده است.» (قرآن کریم ـ فاطر ـ ۲۷)

رنگ آبی

در قرآن فقط یک بار رنگ آبی (ارزق) در سوره طه آیه ۱۰۲ ذکر شده است. در قرآن رنگ ارزق شادی‌آور است و بدان اشاره شده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «ای مفضل در رنگ آسمان بیندیش که خدا آن را این چنین آفریده که موافق‌ترین رنگ‌ها برای چشم است.» (تفسیر نمونه جلد ۱ ـ ۱۳۶۶ ـ ۱۲۱)

رنگ در تعزیه

تعزیه بر مبنای نشانه‌های قراردادی اجرا می‌شود در نتیجه از رنگ نیز به عنوان نشانه استفاده می‌شود: کاربرد رنگ در تعزیه هم از بعد مادی و هم از بعد معنوی قابل تأمل است. با نماد رنگ، نقش‌ها و شخصیت‌های تعزیه در ذهن بیننده تثبیت و تفهیم می‌شود، در تعزیه شش رنگ اصلی وجود دارد که شامل سفید، قرمز، سفید، سیاه، آبی و زرد است.

۱ـ رنگ سبز

این رنگ جزو رنگ‌های مطلق در تعزیه می‌باشد. در تمامی مجالس تعزیه، حضرت رسول الله(ص) و ۱۲ امام بر حق (علیهم‌السلام) جمیعاً از این رنگ استفاده می‌نمایند چه در عمامه و چه در قبا و گاهاً عبا. در این مورد تنها یک استثنا وجود دارد که امام معصوم از این رنگ استفاده نمی‌کند و آن هم برای کودکی حضرت سیدالشهدا می‌باشد. در مجالسی مانند فضل و فتاح، روزه گرفتن حسنین، عیدی خواستن حسنین و غیره که امام حسین(ع) طفل نابالغ می‌باشد قبای ایشان به رنگ قرمز معین شده است. دلیل این استثنا در رنگ لباس، مربوط به ماجرای پیراهن آوردن جبرئیل امین از دارالقرار بهشت می‌باشد که تعزیه عیدی خواستن حسنین نیز بر حول همین محور می‌چرخد. نقل است که نزدیک عید، حسنین (ع) از مادرشان حضرت زهرا (س) تمنای پیراهن نو و جامه‌ای نیکو نمودند تا همچون همسالان خود شادی روز عید را تکمیل و مضاعف نمایند اما حضرت خیرالنسا(س) به جهت فقر ظاهری و عدم استطاعت مالی در اجابت خواسته این نونهالان، وعده امروز و فردا می‌دهد تا بلکه فرج و گشایشی در این امر حاصل گردد تا اینکه جبرئیل امین به حکم حضرت حق دو جامه سفید رنگ از بهشت برین تحفه می‌آورد و جهت پوشش حسنین (ع) به حضرت ام‌ابیها(س) تقدیم می‌دارد. حسنین(ع) با دیدن این لباس‌ها و به اقتضای کودکی از مادر مطهرشان طلب جامه رنگی می‌کنند. مادر، طلب ایشان را به سمع جبرئیل امین می‌رساند لذا بلافاصله جبرئیل امین به جهت اطاعت امر، پیراهن‌های سفید را پس گرفته و دو پیراهن یکی به رنگ سبز برای امام حسن(ع) و یکی به رنگ قرمز برای امام حسین(ع) تقدیم می‌نماید.

حضرت زهرا(س) از این اختلاف رنگ متعجب می‌گردد و دلیل آن را از جبرئیل می‌پرسد و جبرئیل در پاسخ عرض می‌دارد که حسن مجتبی(ع) در زمان شهادت، بدنش مبارکش به جهت نوشیدن زهر قاتل، سبز خواهد شد و حسین سیدالشهدا (ع) در زمان شهادت، بدن مبارکش در اثر نیزه و خنجر خون‌آلود و قرمز خواهد شد و دلیل رنگ این دو پیراهن چنین است. (شاید دلیل اینکه پرچم گنبد حرم سیدالشهدا(ع) بر خلاف سایر عتبات عالیات، سرخ رنگ و خونین است همین موضوع باشد).

معین البکای صاحب ذوق به ظرافت از این ماجرا بهره جسته و قبای سرخ را شایسته قامت دلربای حضرت سیدالشهدا(ع) در کودکی می‌داند ولی در مجالسی که امام حسین(ع) دوران طفولیت را پشت سر نهاده دیگر قبای قرمز نمی‌پوشد و مانند سایر ذریه رسول‌الله(ص) پیکر مطهر را به رنگ سبز می‌آراید. لازم به ذکر است که نقاشان قهوه‌خانه‌ای که اکثراً مشاهدات و تصورات خود را بر پرده درویشی خود مصور می‌نمودند برای امام حسین(ع) تا پایان عمر قبای قرمز نقش می‌کردند در تمام پرده‌هایی که به واقعه عاشورا اختصاص دارد امام حسین(ع) را خواهیم دید که قبایی قرمز پوشیده است. به هر حال رنگ سبز رنگی مطلق در تعزیه می‌باشد که مختص حضرت رسول مکرم اسلام(ص) و ذریه اطهرش می‌باشد.

۲ـ رنگ قرمز

این رنگ جزو رنگ‌های مطلق محسوب می‌گردد یعنی دو پهلو نیست و فقط و فقط برای اشقیا کاربرد دارد مگر همان یک مورد فوق‌الذکر که مربوط به طفولیت امام حسین(ع) می‌باشد. رنگ قرمز، رنگ خون و خونریزی، جنگ و شقاوت می‌باشد. «در تعزیه‌ها شمر سرتاسر قرمز می‌پوشد. پر کلاه‌خود، قبا، شلوار، شال کمر همه قرمز می‌باشد. در سایر نقش‌ها این قرمزی می‌شکند و این کار توسط تغییر رنگ پر کلاه خود یا شال کمر انجام می‌پذیرد.

مثل حارث که شال و پر سیاه استفاده می‌نماید یا غلامان خونخواره که شال و پر سیاه و بعضاً زرد استفاده می‌کنند. انحصار رنگ قرمز بطور مطلق به شمر واگذار شده است.

و شمر هر چه به لحظه جنایت و شقاوت نزدیک می‌شود لباس شمر به قرمزی تیره به اصطلاح خون کفتری نزدیک می‌گردد.» (امیرحسین کریمی علویجه)

۳ـ رنگ سیاه

جزو رنگ‌های نسبی می‌باشد یعنی موافق و مخالف هر دو استفاده می‌کنند و ترکیب آن با رنگ‌های دیگر، کاربرد آن را مشخص می‌سازد. «چنانچه رنگ سیاه با قرمز ترکیب شود رنگ خوف و هول و هراس می‌گردد، چنانچه رنگ سیاه با رنگ سبز ترکیب گردد رنگ وقار و تقدس به خود می‌گیرد و چنانچه با رنگ سفید ترکیب گردد، رنگ روزمره خواهد بود. یکی از ظرایف تعزیه این است که شقی یا مخالف‌خوان هر چه به لحظه جنایت و شقاوت نزدیک‌تر می‌شود طیف رنگ لباس‌هایش به سمت سیاهی می‌رود تا معنی شقاوت و سیاه‌دلی در نظر بیننده مجسم گردد». (امیرحسین کریمی علویجه)

۴ـ رنگ سفید

این رنگ جزو رنگ‌های نسبی می‌باشد، یعنی با ترکیب آن با رنگ دیگر می‌توان مرز بین خیر و شر را مشخص نمود. در بیشتر مجالس جهت موافقی استفاده می‌گردد که از ذریه رسول‌الله (ص) نمی‌باشد مثل انبیای الهی، وهب، حبیب، ساربان و غیره و گاهاً در زنان موافق نیز کاربرد دارد. مثل چادر بهشتی که در مجلس عروسی زنان قریش، حضرت زهرا(س) به سر می‌نماید یا چادر زرنگار حضرت زینب(س) در مجلس عروسی زینب(س) یا زن وهب که نماد نو عروس بودن وی می‌باشد. شرح یک نکته زیبا و ظریف خالی از لطف نمی‌باشد که شهادت‌خوان هر چه به لحظه شهادت نزدیک‌تر می‌گردد وجه پاکی و سفیدی آن بیشتر می‌شود و این پاکی و رهایی از رنگ‌های دنیوی را تنها می‌توان با رنگ سفید مشخص نمود. لذا برای شهادت‌خوان، کفن‌پوشی در نظر گرفته شده است. کفن علاوه بر نقشی که در تعزیه دارد، به طور ذاتی این تداعی را در ذهن بیننده ایجاد می‌کند که کم کم شهادت‌خوان از تعلقات دنیوی در حال رها شدن می‌باشد و به رنگ بی‌رنگی می‌رسد این مطلب ظریف در تعزیه شهادت امام حسین(ع) به اوج می‌رسد؛ آنجا که امام پیراهن کهنه طلب می‌نماید. این پاکی و رهایی به حد اعلای خود می‌رسد. این از عجایب تعزیه می‌باشد که چطور با رنگ‌های ساده، شخصیت‌سازی و تیپ‌پردازی می‌نماید.

۵ـ رنگ زرد

«رنگ تردید و دودلی می‌باشد و برای افراد خاص منظور می‌گردد یکی برای جناب حربن یزید ریاحی که تا آخرین دقایق عمر در شک و تردید است و دیگری برای عمر بن سعد که ایشان هم مردد و دودل می‌باشد». (امیرحسین کریمی علویجه)

۶ـ رنگ آبی

«رنگ شادی و سرور می‌باشد. در چند جا کاربرد دارد یکی برای لباس جناب قاسم بن حسن(ع) که مطلب عروسی دارد و دیگری برای شمر تعزیه بازار شام که وی آبی می‌پوشد چون این شمر دیگر آن شمر خونریز و خونخوار نیست بلکه شمری است که خوشحال سرمست و شاد از این پیروزی ننگین به خدمت یزید ملعون می‌رسد و واقعات کربلا را روایت می‌نماید. در بعضی نقاط دیده شده که شمر لباسی آبی پوشیده و شال مشکی بر کمر بسته است. این کارکرد ظریف نشان می‌دهد شمر خوشحال و سرمست، راوی مجلس عزا می‌گردد.» (امیرحسین کریمی علویجه)

به غیر از این شش رنگ اصلی، رنگ‌های دیگر مثل قهوه‌ای، بنفش، صورتی و غیره نیز کاربرد دارند که وجه تمایز خاصی ندارند.

نتیجه‌گیری

شایسته است که مسئولان فرهنگی کشور با هدف پاسداری از این سنت ملی ـ مذهبی کهن که معرف بخشی از هویت فرهنگی و شناسنامه تاریخی مردم ایران و حامل پیام‌های ارزشمند معرفتی، هنری و اسطوره‌ای است تمهیدات لازم در زمینه بازخوانی و بازتفسیر درست منابع تعزیه و بهره‌گیری از اصحاب رسانه و بهره‌گیری از دستاوردهای جدید علمی، آموزشی، تربیتی، مدیریتی و هنری را فراهم سازند.

منابع:

۱ـ محمد معین ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی، ناشر امیرکبیر، تهران.
۲ـ روبرت هنری دوژنره ـ ۱۳۷۲، مجموعه مقالات سمینار پژوهشی تعزیه، شبیه‌خوانی مترجم ماهایا پطروسیان، انتشارات جشنواره سراسری تئاتر فجر، تهران ـ صفحه ۷۷.
۳ـ جابر عناصری، ۱۳۷۲، شبیه‌خوانی مجموعه مقالات سمینار پژوهشی تعزیه، انتشارات جشنواره سراسری تئاتر فجر، تهران ـ صفحه ۱۶.
۴ـ پیتر چلکوفسکی ۱۳۷۲، مجموعه مقالات سمینار پژوهشی تعزیه، مترجم افروز فروزمند، انتشارات جشنواره سراسری تئاتر فجر، تهران ـ صفحه ۱۰۶.
۵ـ عبدالرضا فریدزاده، ۱۳۸۹، مقاله تعزیه، تنها نمایش جدی جهان اسلام، نمایش نشریه تخصصی تئاتر، انجمن هنرهای نمایشی ایران، شماره ۱۳۶ـ ۱۳۷، صفحه ۳۱.
۶ـ جوهانز آیین، ۱۳۶۹، کتاب رنگ، مترجم محمد حسین حلیمی، ناشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، صفحه ۴.
۷ـ ریحانه قاسمی، ۱۳۸۹، رنگ فرمانروای فرهنگ، ناشر مؤسسه انتشارات دارالعلم، تهران.
۸ـ ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، تفسیر نمونه، ناشر دارالکتاب ـ الاسلامیه، تهران.
۹ـ قرآن مجید، ۱۳۷۸، مترجم الهی قمشه‌ای، انتشارات فاطمه‌الزهرا(س) ـ قم.
۱۰ـ ویلیام فرانکلین، ۱۳۵۸، مشاهدات سفر از بنگال به ایران، مترجم محسن جاویدان، تهران.
۱۱ـ عناصری ۸۹/۶/۲۳. (۱۳۸۹/۶/۱۳). www.artshahrekord. ir/printlistlem. ۱۷۸۴=aspx?id
۱۲ـ سید صادق فاضلی ۸۵/۱۲/۱۰. www.Zoohoor.blogfa.com
۱۳ـ امیرحسین کریمی علویجه ۲۰۱۳/۱۱/۳. blogfa.com .www.salam۳۰۰۰

در عصر صفوی که تشیع دین رسمی کشور ایران اعلام شد تعزیه به شدت رشد یافت. در دوره میانی حکومت افشاریه و قاجاریه نقطه تکامل تعزیه بود. در زمان آغاز سلطنت ناصرالدین شاه ۳۰۰ مکان مشخص برای تعزیه برپا شد. در سال‌های آغاز دیکتاتوری رضاخان پس از ۱۳۰۴ هجری شمسی اجرای تعزیه رفته رفته ممنوع اعلام شد و با تخریب تکیه دولت به دستور وی تعزیه پا به دوران افول خود گذاشت